

دوفصلنامه «مطالعات تطبیقی قرآن پژوهی»

سال اول، شماره اول - بهار و تابستان ۱۳۹۵؛ صص ۴۳ - ۶۰

جستاری در تحریف‌ناپذیری قرآن کریم (بررسی تطبیقی دیدگاه‌های سید قطب و رشید رضا)

زهره نریمانی^۱

آذر حسینی^۲

(تاریخ دریافت: ۹۴/۷/۶؛ تاریخ پذیرش: ۹۵/۱/۲۳)

چکیده

مقاله حاضر به بررسی یکی از مباحث تاریخ قرآن کریم به نام «تحریف» می‌پردازد. در این نوشتار سعی بر آن شده ابتدا به مفهوم شناسی «تحریف» پرداخته، سپس این موضوع در دو تفسیر «المنار» و «فی ظلال القرآن» با دلایل عقلی، قرآنی، روایی، گواهی تاریخ و اعجاز قرآن، درباره‌ی عدم تحریف قرآن کریم مورد بررسی و تطبیق قرار دهد. در نهایت آنچه حاصل شد آن است که، رشیدرضا از میان دلایل ذکر شده، دلیل قرآنی (آیه‌ی حفظ)، دلیل روایی یا سنت نبوی، گواهی تاریخ، و دلایل جدید و ابتکاری چون احکام و تشابه، اعجاز بیانی و نسخ و عدم تحریف، در مقام دفاع از عدم تحریف قرآن کریم برآمده است. ولی سید قطب به دلیل قرآنی توجه بیشتری در مقایسه با رشید رضا برای اثبات عدم تحریف قرآن نموده، و علاوه بر آیه‌ی «حفظ» به آیه‌ی «نفی باطل» نیز تمسک جسته، و از سایر دلایل، مسئله‌ی اعجاز قرآن و گواهی تاریخ را با محافظان قرآن در زمان نزول، مطرح نموده و تنها با یکی از دلایل جدید رشید رضا یعنی اعجاز بیانی هم عقیده است. گفتنی است این پژوهش؛ روش توصیفی-تحلیلی، با رویکرد تطبیقی و با ابزار کتابخانه‌ای صورت گرفته است.

کلیدواژگان: تحریف‌ناپذیری قرآن، سید قطب، رشیدرضا، تفسیر فی ظلال القرآن، تفسیر المنار.

^۱ - استادیار دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم؛ دانشکده علوم قرآنی کرمانشاه (نویسنده مسئول):

zohrehnarimani92@yahoo.com

hoseini68.az@gmail.com

^۲ - دانشجوی کارشناسی ارشد علوم قرآن مجید دانشکده علوم قرآنی کرمانشاه:

۱- مقدمه

از جمله مباحث مهمی که در خصوص تاریخ قرآن همواره مطرح می‌باشد، بحث تحریف ناپذیری قرآن است. با توجه به اینکه کتب انبیاء پیشین همانند تورات و انجیل در طول تاریخ دستخوش تغییر و تحول و تحریف شده و همچنین برخی از روایات و نقل‌ها در کتب روایی مسلمان‌ها وجود داشته که ظاهراً بر تحریف قرآن دلالت دارد، این شبهه در ذهن برخی افراد به وجود آمده است که قرآن تحریف شده است. و دلائلی نیز در رد این خصوص ارائه نموده‌اند. با توجه به چنین شبهاتی ضرورت دارد با بررسی ابعاد گوناگون این بحث هرگونه شک و شبهه را از ساحت مقدس قرآن بزداییم و ثابت کنیم که این قرآنی که امروزه در دست ما می‌باشد عیناً همان قرآن نازل شده بر پیامبر است.

سعی و کوشش در روشنگری‌های نوین و رعایت روح ادبی عصر جدید در تفسیرهای معاصر قرآن مبین که از اسلام‌شناسان این روزگار می‌بینیم به دست دانشمندانی مانند «سید قطب» و پیشتر از او «رشید رضا» در تفسیر «المنار» که نقلی از درس‌های شیخ محمد عبده به شمار می‌آید، آغازگردید. ولی کار او به پایان نرسید و تنها دوازده جزء قرآن را در برگرفت. سپس افرادی همچون «شیخ مراغی» و «محمد فرید وجدی» آن را ادامه دادند. هدف این مفسران، تقریب معنی و تبسیط آن به شیوه‌ی مطلوب و مرغوب برای اذهان جوان بوده است. سید قطب در تفسیر قرآن، مفسری موفق است. اندیشه‌ی روشن و ذهن دقیق او عمق آیات کریمه را دریافته، و به روشنی و دقت، خواننده را در جریان مفاهیم قرآن قرار داده است. (سیدقطب، ۱۴۱۲ق: ۶/ ۳۹۷۹) مبحث تحریف نیز از جمله مباحثی است که مورد توجه این دو مفسر در تفاسیرشان بوده است.

لذا سؤالات مطرح شده در این تحقیق بدین قرارند: آیا مبحث تحریف در دو تفسیر «المنار» و «فی ضلال» مورد بررسی قرار گرفته است؟ آیا این دو مفسر قائل به تحریف در قرآن کریم می‌باشند یا آنکه آن را رد نموده‌اند؟ و اگر قائل به عدم تحریف قرآن می‌باشند، با چه براهینی به مقام دفاع از آن بر آمده‌اند؟

پیشینه‌ی بحث تحریف ناپذیری قرآن را باید هم زمان با نزول قرآن و در متن آیات وحی جست و جو نمود. ولی با تدوین کتاب «فصل الخطاب فی تحریف الکتاب» توسط محدث نوری، ردّ پای ادعای تحریف قرآن به دامن اسلام و علی الخصوص شیعه باز شد. بعدها دیگران و از جمله استادش (شیخ محمود معرب تهرانی) در کتابی به نام «کشف الارتیاب عن تحریف الکتاب رب الارباب» در مقام رد ۱۱۲۰ روایتی برآمدند که محدث نوری در کتابش ذکر کرده بود. در این باره می‌توان به کتاب‌های «تعالیق بر فصل الخطاب» حاج میرزا ابوالحسن شعرانی، ۶۰ صفحه از کتاب «البیان» آیت الله خویی، و شاید سودمندترین کتاب در این باره را کتاب «برهان روشن» یا «البرهان علی عدم تحریف القرآن» تألیف حاج میرزا مهدی بروجردی می‌باشد. و در معاصر نیز می‌توان به رساله‌ای از سیدشهاب الدین مرعشی نجفی، «صیانه القرآن من التحریف» محمدهادی معرفت و «نزهت قرآن از تحریف» آیت الله جوادی آملی و... اشاره نمود که ذکر همه آثار تألیف شده در این باره در این مختصر نمی‌گنجد.

در این مقاله سعی شده است نظر این دو مفسر اهل تسنن معاصر درباره تحریف یا عدم تحریف قرآن مورد نقد و بررسی قرار گیرد.

۲- مفهوم شناسی

۱-۲- تحریف در لغت

تحریف از ریشه «حرف» در لسان العرب به معنی عدول کردن از چیزی و کناره‌گیری و مایل کردن است. (ابن منظور، ۱۴۱۴: ۴۳/۹). جوهری و فیروزآبادی در بیان معنی «حرف» چنین گفته‌اند: حرف هر چیز، کناره، لبه و مرز آن است. (جوهری، بی‌تا: ۱۳۴۲/۳، فیروزآبادی، بی‌تا: ۱۷۰/۳) راغب اصفهانی نیز در مفردات خود «حرف» هرچیز را گوشه آن ذکر کرده است. (راغب اصفهانی، بی‌تا: ۱۱۴)

۲-۲- تحریف در اصطلاح

تحریف در اصطلاح غالباً دو گونه است: تحریف لفظی و تحریف معنوی.

الف) تحریف لفظی: این نوع تحریف خود نیز دو قسم است، تحریف لفظی بالزیاده، تحریف لفظی بالنقصه. تحریف لفظی بالزیاده که مورد انکار شیعه و اهل سنت است و کسی از مسلمانان تا به حال ادعا نکرده است که بر قرآن چیزی افزون بر آنچه که بر پیامبر وحی شده، اضافه شده است، زیرا کسی توانایی همانند آوری مثل قرآن را ندارد. (طوسی، بی تا: ۳/۱، فیض کاشانی، ۱۴۰۶: ۱۷۷۸/۹).

تحریف لفظی بالنقصه یعنی: کلمه، جمله، آیه و یا سوره هایی از قرآن حذف شده و اکنون در قرآن موجود نیست. (خویی، ۱۴۰۱: ۲۰۰، طبرسی، ۱۴۰۸: ۴۲/۱، شیخ مفید، ۱۴۱۳: ۸۱). ولی به طور قاطع با عنایت به دیدگاه شیعه تحریف به نقیصه نیز رد می شود. و نیز آمده است که مقصود از «تحریف لفظی» تبدیل یا کاهش و افزایش الفاظ سخن گوینده است. (نجارزادگان، ۱۳۸۴: ۱۷)

ب) تحریف معنوی: مقصود از این نوع تحریف تفسیر به رأی آیات قرآن است، مسلماً در طول تاریخ بسیار اتفاق افتاده و حتی روایاتی داریم که این گونه تحریف را به شدت نکوهش کرده است. از رسول خدا (ص) نقل شده است که حضرت فرمودند: (مَنْ فَسَّرَ الْقُرْآنَ بِرَأْيِهِ فَلْيَتَّبِعُوا مَقْعَدَهُ مِنَ النَّارِ) «هرکس قرآن را به رأی و نظر خود تفسیر کند باید جایگاه خویش را در آتش برگزیند» (فیض کاشانی، ۱۴۰۲ق: ۳۵/۱، ابن ابی جمهور، ۱۴۰۳ق: ۱۰۴/۴). طبق این روایت و روایات دیگر که در اینجا مجالی برای ذکر آنها نیست تفسیر به رأی به شدت منع شده، و کسی که این کار قبیح را انجام دهد، به عذاب اخروی تهدید شده است. در قرآن کریم نیز واژه‌ی تحریف در هر جایی که به کار رفته، معنای تحریف معنوی اراده شده است. مانند آیه ۴۶ سوره نساء که خداوند می فرماید: (يُحَرِّفُونَ الْكَلِمَ عَنْ مَوَاضِعِهِ) «کلمات را از جاهای خود برمی گردانند.» صاحب تبیان معتقد است تحریف به دو امر صورت گرفته است یکی سوء تأویل و دیگری تغییر و تبدیل. (طوسی، بی تا: ۴۷۰/۳)

همچنین گفته شده که: مقصود از «تحریف معنوی» برداشت انحرافی و تفسیر و توجیه سخن بر خلاف مقصود گوینده است. (نجارزادگان، ۱۳۸۴: ۱۷)

آیت الله معرفت تحریف اصطلاحی را تا ۷ گونه شمرده است از جمله: تحریف معنوی، تحریف موضعی، تحریف در قرائت، تحریف در لهجه و نحوه گویش، تحریف با تعویض کلمات، تحریف به زیاده، تحریف به نقیصه. (معرفت، ۱۳۷۶: ۲۲ تا ۲۵). در حالی که در دیگر آثار علوم قرآنی بیشتر به تحریف لفظی (به کاهش و به افزایش) و تحریف معنوی اکتفا شده است. (ر.ک: البیان آیت الله خویی، ص ۱۹۸ و تحریف ناپذیری قرآن نجارزادگان، ص ۱۸ و ...)

۳- دلایل عدم تحریف قرآن کریم

به طور کلی دلایل ذکر شده برای عدم تحریف قرآن کریم، دلیل عقلی، دلیل قرآنی، دلیل -روایی، گواهی تاریخ، مسأله اعجاز قرآن، می باشد. (ر.ک: «صیانه القرآن من التحریف» محمد هادی معرفت، ص ۳۵ تا ۵۵، «تحریف ناپذیری» نجارزادگان، ص ۲۳، «نزهت قرآن از تحریف» آیت الله جوادی آملی و...) در ادامه سعی بر آن شده تا حدودی این دلایل با دیدگاه‌های رشید رضا و سید قطب مورد بررسی و تطبیق قرار گیرد.

۴- بطلان ادعای تحریف قرآن از دیدگاه سید قطب و رشید رضا

این دو دانشمند معاصر اهل سنت در تفسیرشان در مورد تحریف نظراتی را ارائه داده‌اند که در ادامه مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۴-۱- حفظ همیشگی و ابدی

یکی از واضح ترین دلایل بر سلامت قرآن و رد شبهه تحریف، عهدی است که خداوند متعال بر حفظ و سلامتی قرآن ضمانت کرده است. خداوند متعال در آیه حفظ می فرماید: (إِنَّا نَحْنُ نَزَّلْنَا الذِّكْرَ وَإِنَّا لَهُ لَحَافِظُونَ) (حجر/ ۹) «بی تردید، ما این قرآن را به تدریج نازل کرده‌ایم، و قطعاً نگهبان آن خواهیم بود.» مفسران ذیل این آیه بیان نموده اند که؛ منظور از حفظ قرآن مصونیت آن از هرگونه تحریف به نقیصه و زیادت می باشد. (طبرسی، ۱۴۰۸: ۵۰۸/۶، آلوسی، ۱۴۱۵: ۲۶۳/۷، ابن کثیر، ۱۴۱۹: ۴۵۳/۴). آیه به صورت جمله اسمیه و به وسیله حرف «إِنَّ» تاکید، و با ضمیر «نحن» و «لام تاکید» بیان شده است، همه عوامل تاکید کننده در کلام، در کنار یکدیگر

قرار گرفته، تا این حقیقت را بیان نماید که خداوند همیشه حافظ و نگهبان قرآن خواهد بود و این وعده ای تخلف ناپذیر اس. (زمخشری، ۱۴۰۷: ۵۷۲/۲).

سید قطب نیز در تفسیر آیه ی ۹ سوره حجر (إِنَّا نَحْنُ نَزَّلْنَا الذِّكْرَ وَإِنَّا لَهُ لَحَافِظُونَ) بیان می‌دارد که «ما خود قرآن را فرو فرستاده‌ایم و خود ما پاسدار آن می‌باشیم و تا روز رستاخیز آن را از دستبرد دشمنان و از هرگونه تغییر و تبدیل زمان محفوظ و مصون می‌داریم. برای ایشان بهتر است که به قرآن روکنند. قرآن باقی و محفوظ است. نه کهنه می‌شود و نه دگرگونی می‌پذیرد. با باطل نمی‌آمیزد. تحریف به آن رو نمی‌کند. قرآن آنان را به سوی حق رهنمود می‌سازد و ایشان را در پناه رعایت و عنایت خدا می‌دارد و محفوظ و مصون می‌نماید، اگر حق را می‌خواهند، و اگر فرشتگان را می‌خواهند تا ایشان را ثابت و استوار بدارند. خدا نمی‌خواهد فرشتگان را به سوی ایشان روانه کند و برایشان نازل گرداند. زیرا خیر و صلاح ایشان را خواسته است و این است که قرآن را برایشان نازل کرده است که مصون و محفوظ می‌ماند، نه فرشتگان را تا ایشان را نابود کنند و از میان بردارند». (سید بن قطب، ۱۴۱۲ق: ۲۱۲۷/۴)

و نیز در ادامه می‌گوید: «ما امروزه از پس قرن‌ها به وعده راستین خدا درباره محافظت از این قرآن می‌نگریم و می‌بینیم که درکنار شواهد بسیار دیگری بر اعجاز این قرآن، همین محافظت نیز معجزه‌ای است دال بر یزدانی بودن این کتاب. می‌بینیم اوضاع و احوال و شرایط و ظروف و عوامل فراوانی بر سر این کتاب در لابلای این قرون و اعصار آمده‌است که نمی‌بایستی آن را از دستبرد خود مصون و محفوظ دارد و حتی واژه‌ای در آن تغییر و تبدیل پیدا نکند، و جمله‌ای در آن تحریف نشود. کی چنین چیزی ممکن بود اگر نیروئی فراتر از اراده و خواست انسان‌ها، و بزرگتر از احوال و اوضاع و شرایط و ظروف و عوامل گوناگون در میان نمی‌بود و این کتاب را از تغییر و تبدیل محافظت نمی‌نمود و از بازیچه دست روزگار و از تحریف دشمنان زورمدار نمی‌پائید». (همان: ۲۱۲۸/۴)

باتوجه به ناقص بودن تفسیر المنار (تنها ۱۳ جزء اول قرآن)، آیه ی حفظ (حجر/۹) در این تفسیر نیامده. چرا که در جزء ۱۴ است، و تنها در ذیل آیه ۴۸ سوره مائده و پس از تفسیر آن، اشاره‌ی نیز بدان دارد و بیان نموده که امکان تشخیص این مسئله که آنچه نزد اهل کتاب است،

محفوظ و سالم از تحریف و غیره مانده است، وجود ندارد. پس بنا بر احتیاط نه آنها را تصدیق و نه تکذیب می نماییم. به جزء آنچه که قرآن آن را تصدیق و تکذیب نموده است. پس تصدیق می کنیم آنچه را که قرآن تصدیق نموده، و تکذیب می کنیم آنچه را قرآن تکذیب کرده است. همانا قرآن در بردارنده و حافظ کتب پیشین نیز هست و گواه است بر آنها و گواهی و شهادتش حق است. و خداوند قرآن را از تحریف و تبدیل حفظ نموده. و به توفیق مسلمین، قرآن در سینه ها حفظ و نگه داشته شده است، از زمان پیامبر تا امروز و حفظ خواهد شد تا آخر زمان، رشید رضا با این توضیح سپس آیه ۹ سوره حجر را ذکر می کند. (رشید رضا، ۱۹۹۰م: ۳۴۱/۶)

علامه طباطبائی در مورد این آیه می فرماید: «قرآن ذکر زنده و جاودانی است. و مصون است از اینکه فراموش و نابود گردد. و محفوظ است از اینکه نقص و زیادتی در آن رخ دهد. و ذکر بودنش از بین برود. و مصون است از اینکه تغییراتی در شکل و بیکراهش بوجود بیاید و آنرا از ذکر الله بودن و مرتبه بیان حقائق و معارف الهی داشتن خارج نماید. بنابراین، این آیه دلالت می کند بر اینکه کتاب خدا از تمام انواع تحریف، مصون و محفوظ است. همینطور آیه با توجه به طرز جمله بندی آن دلالت می کند که قرآن ذکر است و بعد از نزولش تا ابد حفظ و نگهداری می شود». (طباطبائی، ۱۴۱۷ق: ۱۲/۱۰۳-۱۰۴)

آیت الله خوئی نیز در این مورد می گوید: «مدلول این آیه، حفظ و صیانت قرآن از هر گونه تحریفی است و تأکید دارد بر اینکه: امکان هر گونه دخل و تصرفی بوسیله دستهای آلوده بر خیانت و جنایت در قرآن کریم منتفی بوده، هرگز بازیچه فتنه جویان قرار نمی گیرد». (خوئی، ۱۴۰۱: ۲۲۶)

شیخ مفید در کتاب «أوائل المقالات» مطلبی می گوید که به نظر می رسد با الهام گیری از این آیه مبارکه بوده است: «هیچ کلمه و آیه و سوره ای از قرآن کم نشده است؛ بله، ما معتقدیم آنچه که در قرآن امیر المؤمنین بوده حذف شده که عبارت بودند از مطالبی که حضرت حقیقت تأویل و تفسیر آیات را بیان فرموده بود که مربوط به خودت آیات نمی شد». (مفید، ۱۴۱۳ق: ۵۴-۵۶) در توضیح این مطلب که در قرآن امیر المؤمنین (ع)، علاوه بر حقیقت

تأویل و تفسیر آیات، شأن نزول و اسباب نزول آیات و... نیز بیان شده است. به همین جهت خلیفه وقت با عدم پذیرش آن، برای همیشه امت اسلام را از آن محروم نمود. بنابراین آنچه حذف گشته، افزوده‌های تفسیری بود که در قرآن حضرت امیر (ع) موجود بود، افزوده‌هایی که از شخص پیامبر (ص) وبدون واسطه دریافت می‌نمودند.

بنابراین سیدقطب و رشیدرضا نیز هم نوا با دیگر دانشمندان ذکر شده بر دلیل قرآنی و مشهور حفظ و صیانت قرآن کریم از تحریف تأکید دارند. تا حدی که با وجود ناقص بودن تفسیر المنار، مانعی برای رشیدرضا برای عدم تأیید این مطلب نبوده. و این مهم می‌تواند نقطه قوت این تفاسیر بر عدم تحریف قرآن باشد، و این شبهه را تا حدود زیادی رد نماید.

۴-۲- اعجاز آیات دلیلی برای عدم تحریف

یکی دیگر از مسائلی که با شبهه تحریف در تضاد، و قاطعانه آن را رد می‌کند، بحث اعجاز قرآن است. علما مسأله اعجاز را بزرگترین دلیل بر رد شبهه تحریف دانسته‌اند؛ زیرا احتمال زیادت (همانگونه که برخی از خوارج گفته‌اند که سوره یوسف تماماً بر قرآن افزوده شده‌است، چون یک سرگذشت عاشقانه است و جایی در قرآن ندارد) یا کاستن (آنگونه که برخی از صحابه گمان برده‌اند که دو سوره معوذتین دو دعای مبطل السحرند و جزء قرآن نیستند) درباره قرآن به طور کلی منتهی است؛ زیرا خداوند متعال در آیات تحدی، فرموده است هیچ بشری قادر به همانند آوری قرآن نیست. و همچنین کم نمودن از قرآن نیز موجب می‌گردد تا نظام اولی کلام به هم نخورد و از بین برود و این به طور قطع در سبک و اسلوب بلاغی کلام مؤثر است و نمی‌توان گفت که نظم نوین همان نظم الهی و وحی است. (معرفت، ۱۳۸۵: ۳۷۵)

سید قطب نیز در ذیل آیه (وَ إِذْ أَخَذْنَا مِيثَاقَكُمْ لَا تَسْفِكُونَ دِمَاءَكُمْ وَلَا تُخْرِجُونَ أَنْفُسَكُمْ مِنْ دِيَارِكُمْ ثُمَّ أَقْرَرْتُمْ وَأَنْتُمْ تَشْهَدُونَ) (بقره/۸۴) «و چون از شما پیمان محکم گرفتیم که: «خون همدیگر را مریزید، و یکدیگر را از سرزمین خود بیرون نکنید» سپس [به این پیمان] اقرار کردید، و خود گواھید.» می‌گوید: «اعجاز موجود در ساخت آیه های قانونگذاری در اینجا، همان اعجازی است که در ساخت آیه های الهامگر و رهنمون بکار رفته است. بلکه اعجاز در اینجا روشن‌تر

و نیرومندتر است. زیرا هدف در اینجا دقیق و باریک است و یک واژه می تواند آن را تحریف و از راستای خود بدور دارد، و واژه ای نمی تواند جایگزین واژه دیگری گردد. اگر اعجاز نبود تعبیر قرآنی نمی توانست دقت قانونگذاری مطلق و زیبایی هنری مطلق را بدین روال بی سابقه تحقق بخشد». (سید بن قطب، ۱۴۱۲ق: ۸۷/۱). بنابراین سید قطب اعجاز آیات قرآن کریم را همسو با آیت الله معرفت دلیلی برای عدم تحریف قرآن می دانند ولی رشید رضا در ذیل این آیه نظری درباره حفظ قرآن از تحریف ذکر نکرده است و شاید بتوان گفت که ایشان این نوع اعجاز قرآن و آیات را به عدم تحریف آیات جدا می دانند.

۴-۳- راه نداشتن باطل در قرآن

از جمله آیاتی که به صراحت بر پیراستگی قرآن از تحریف دلالت دارد، می توان به آیات زیر اشاره نمود:

(إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا بِالذِّكْرِ لَمَّا جَاءَهُمْ وَإِنَّهُ لَكِتَابٌ عَزِيزٌ) (فصلت / ۴۱)

و (لَا يَأْتِيهِ الْبَاطِلُ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَلَا مِنْ خَلْفِهِ تَنْزِيلٌ مِنْ حَكِيمٍ حَمِيدٍ) (فصلت / ۴۲)

سید قطب در تفسیر این آیات می گوید: «کسانی که قرآن را انکار می کنند بدانگاه که به ایشان می رسد، (بر ما پوشیده نمی مانند و سزای آن را می بینند). قرآن کتاب ارزشمند و بی نظیری است. هیچگونه باطلی، از هیچ جهتی و نظری، متوجه آن نمی گردد، نه غلطی و تناقضی در الفاظ و مفاهیم آن است، و نه علوم راستین و اکتشافات درست پیشینیان و پسینیان مختلف با آن، و نه دست تحریف به دامان بلندش می رسد. چرا که قرآن فرو فرستاده یزدان است که باحکمت و ستوده است و افعالش از روی حکمت است، و شایسته حمد و ستایش بسیار است». (سید قطب، ۱۴۱۲ق: ۳۱۲۷/۵). باتوجه به اینکه آیه ی نفی باطل در سوره فصلت در جزء ۲۴ قرار دارد لذا در تفسیر المنار نیامده است.

شاید بتوان در تأیید گفته ی سید قطب، نظر آیت الله خویی در کتاب «البیان»، را آورد که می - گوید: داستان تحریف قرآن داستانی خرافی و خیالی است و حقیقت ندارد. (خویی، ۱۴۰۱ق:

۴-۴- محافظان قرآن

از جمله آیاتی که احتمال هرگونه فزونی و کاستی، در تمام مراحل تلقی تا مرحله‌ی رسیدن به دست مردم در تمام اعصار را نفی می‌کند، آیات شریفه زیر می‌باشد:

(عَالِمُ الْغَيْبِ فَلَا يُظْهِرُ عَلَىٰ غَيْبِهِ أَحَدًا) (جن/۲۶)

و (إِلَّا مَنِ ارْتَضَىٰ مِنْ رَسُولٍ فَإِنَّهُ يَسْئَلُكَ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَمِنْ خَلْفِهِ رَصَدًا) (جن/۲۷)

و (لِيَعْلَمَ أَنْ قَدْ أَبْلَغُوا رَسُولَاتِ رَبِّهِمْ وَأَحَاطَ بِمَا لَدَيْهِمْ وَأَحْصَىٰ كُلَّ شَيْءٍ عَدَدًا) (جن/۲۸)

نظر سید قطب آن است که، خداوند نه تنها به امور پیغمبران، بلکه به همه چیز احاطه و آگاهی دارد. شمارش و نیز شماره آنها را می‌داند. دانستن شمارش و شماره، دقیق‌ترین نوع علم و آگاهی می‌باشد.

تصور این حال، و این که پیغمبر (ص) با نگهبانان و مراقبان احاطه گشته، و خداوند از هر چه او دارد و انجام می‌دهد مطلع، و از آنچه پیرامون اوست آگاه است. او به عنوان سرباز، وظیفه و تکلیف را دریافت، و راه خود را در پیش می‌گیرد. و به خویشان نیز رها و واگذار نگردیده است. به دست ضعف و زبونیش سپرده نشده، به هوا و هوش هم واگذار نگشته، به هر چه می‌خواهد بکند و از آن خشنود است نیز واگذار نگردیده، بلکه کار جدی و قطعی و مراقبت و محافظت دقیق است. او این را می‌داند و راستای راه خود را در پیش می‌گیرد و به پیش می‌رود و در اینجا و آنجا به چیزی نمی‌نگرد و از جاده منحرف نمی‌گردد، او می‌داند پیرامونش نگهبانان و مراقبان هستند. (سید قطب، ۱۴۱۲ق: ۳۷۳۸/۶) این آیه نیز مانند آیاتی که ذکر شد در تفسیر المنار تفسیری ندارد، چراکه در جزء ۲۹ قرار دارد.

و براساس نقل‌های تاریخی و روایات زیادی که از طریق شیعه و اهل سنت وارد شده است، قرآن از روز نخست مورد اهتمام ویژه و خاص پیامبر (ص) و صحابه بوده است. علاوه بر اینکه خود حضرت شخصاً محافظ قرآن بوده اند، گروه کثیری نیز به عنوان حفاظ و کتاب قرآن بودند که هر آیه یا سوره‌ای نازل می‌شد، یا مسلمین آنرا حفظ و یا به دستور حضرت کتاب وحی، همه آیات و سوره را یادداشت می‌نمودند. (مکارم شیرازی، ۱۴۲۱: ۲۳/۸ و ۲۴؛

صادقی تهرانی، ۱۳۶۵: ۴۴/۱). از این رو با این شواهد می توان نتیجه گرفت که قرآن کریم در زمان نزول و نیز در زمان حیات پیامبر (ص)، بدون هیچ گونه تحریفی به طور کامل جمع آوری و حفظ شده بود. سید قطب نیز به محافظت قرآن در زمان نزول اشاره نموده اند که گواهی بر ادعای عدم تحریف می باشد.

۴-۵- مصون ماندن قرآن از تحریف در مقابل کتاب های آسمانی دیگر

از جمله آیاتی که در ذیل آمده، و به عدم تحریف قرآن دارد، آیه ی:

﴿فَإِنْ لَّمْ تَفْعَلُوا وَلَنْ تَفْعَلُوا فَاتَّقُوا النَّارَ الَّتِي وَقُودُهَا النَّاسُ وَالْحِجَارَةُ أُعِدَّتْ لِلْكَافِرِينَ﴾ (بقره/۲۴)

«پس اگر نکردید- و هرگز نمی توانید کرد- از آن آتشی که سوختش مردمان و سنگها هستند، و برای کافران آماده شده، بپرهیزید.»

در تفسیر المنار چنین آمده است، علمای اهل کتاب ادعا می کنند که کتب مقدمشان سالم از تعارض و تناقض است. و برای رد آنچه که علما و مورخان مخالف کتاب آنها آورده اند تکلف می کنند و در ادامه بیان می دارد که این نوع از مخالفت کلام خدا بر کلام خالق واجب است که مشترک باشد بین قرآن و غیر از آن از کتب الهی مانند تورات و انجیل، اگرچه فقط قرآن باقی مانده همانطوری که نازل شده و این غیر از تحریف است و تبدیلی در آن نیست و این امر را از تاریخی که نزد ما و نزد اهل کتاب است می توان فهمید. (رشید رضا، ۱۹۹۰م: ۱۷۴/۱) در تفسیر این آیه سید قطب تنها به معجزه بودن قرآن که خود دلیلی بر عدم تحریف قرآن است اشاره ای گذرا نموده است. (سید قطب، ۱۴۱۲ق: ۱۰۷/۱) بنابراین رشیدرضا در این آیه سعی داشته با دو گواهی حفظ قرآن، نزد تاریخ اهل کتاب و نیز مسلمانان، به عدم تحریف قرآن برسد. و در مقابل به حفظ کتاب های آسمانی آنان فقط در حد یک ادعا نگریسته که مورد تأیید تاریخ و مسلمانان نیز می باشد. در حالی که سید قطب چنین نظری را نداشته و مسأله اعجاز قرآن را مطرح نموده است.

۴-۶- احکام و تشابه و عدم تحریف

رشیدرضا در توضیح محکم و متشابه می‌گوید: «آیات محکم، آیاتی هستند که حجت پروردگاران و عصمت بندگان و دفع کننده دشمنی‌ها و باطل و از هیچ مبدایی مشتق نشده‌اند و از آنچه وضع شده بر آنها تحریف نیست. و دیگری متشابهات در راستی، گرچه آنها را تصریف و تحریف و تأویل می‌کنند ولی این به معنای تحریف نیست چون خدا با این آیات بندگان را آزمایش می‌کند همانطوری که آنها را با حلال و حرام آزمایش می‌کند و این آیات روانه نمی‌کنند به سوی باطل و از حق نیز منحرف نمی‌کنند». (رشید رضا، ۱۹۹۰: ۱۳۶/۳) سید قطب در این مورد نظری درباره تحریف ناپذیری قرآن ذکر ننموده است. در این باره، رشید رضا تا حدودی به دلیلی جدید و نوآورانه دست زده است که شبهه تحریف را از دامن قرآن و اسلام می‌زداید، و می‌تواند تا حدی جالب و در خور توجه باشد.

۴-۷- حفظ قرآن با سنت نبوی

یکی دیگر از دلالتی که می‌توان بر عدم تحریف قرآن اقامه کرد، روایات پیامبر اکرم (ص) و اهل بیت (ع) است. از جمله این روایات حدیث ثقلین است که به طور متواتر از طریق شیعه و اهل سنت نقل شده است، پیامبر (ص) می‌فرماید: (إِنِّي تَارِكُ فِيكُمْ الثَّقَلَيْنِ كِتَابَ اللَّهِ وَعِترتی أَهْلِ بَیتِی وَ إِنَّهُمَا لَنْ یَفْتَرِقَا حَتَّى یَرِدَا عَلَیَّ الحَوْضِ مَا إِنْ تَمَسَّكْتُمْ بِهِمَا لَنْ تَضَلُّوا ...) (احمد بن حنبل، بی تا: ۱۴/۳، متقی هندی، ۱۴۰۱: ۱۸۶/۱، مجلسی، ۱۴۰۴: ۱۰۸/۲۳، حرعاملی، ۱۴۰۹، ۳۴/۲۷، حاکم نیشابوری، ۱۴۱۱: ۱۱۸/۱). «من در میان شما دو چیز گرانبها به جای می‌گذارم: کتاب خدا و اهل بیتم را؛ و این دو هرگز از هم جدا نمی‌شوند تا اینکه در روز قیامت و در حوض کوثر به من برگردد؛ تا زمانیکه به آن دو تمسک بجوید هرگز پس از من گمراه نخواهید شد...». این حدیث شاهد تام، و دلیل قطعی، و تضمین پیامبر (ص) بر عدم تحریف و سلامت قرآن کریم است. پیامبر (ص) در این حدیث با صراحت اعلام می‌دارد که قرآن برای همیشه و تا روز قیامت محفوظ خواهد بود. روشن است که اگر قرآن خود دچار تحریف می‌بود، فرمان تمسک بدان برای رستگاری و عدم گمراهی و ضلالت، معنایی نداشت. (طوسی، بی تا: ۴/۱)

این مسئله از یک سو، و از سوی دیگر پیامبر اکرم (ص) و اهل بیت (ع) در روایات متعددی، قرآن را معیار و محکی استوار دانسته اند که با آن می توان اصالت و سلامت احادیث را تشخیص داد. (فیض کاشانی، ۱۴۰۲: ۵۱/۱، مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۲۷/۱۱)

از جمله در حدیثی از پیامبر (ص) آمده است که فرمودند: (مَا وَافَقَ كِتَابَ اللَّهِ فَخُذُوهُ وَمَا خَالَفَ كِتَابَ اللَّهِ فَدَعُوهُ) (کلینی، ۱۳۶۵: ۶۹/۱، محدث نوری، ۱۴۰۸: ۳۰۴/۱۷) «پس آنچه را موافق کتاب خداست بگیرید و آنچه را با کتاب خدا مخالف است رها کنید»

و نیز فرموده اند: (كُلُّ حَدِيثٍ لَا يُوَافِقُ كِتَابَ اللَّهِ فَهُوَ زُخْرُفٌ) «هر سخن و حدیثی که موافق با کتاب خدا نباشد، باطل است.» (حر عاملی، ۲۷: ۱۱۱/۱۴۰۹)

از جمله آیاتی که رشیدرضا در این باره به آن استناد نموده، آیه ۱۵۳ سوره مبارکه انعام می باشد. خداوند در این آیه می فرماید: (وَأَنَّ هَذَا صِرَاطٌ مُسْتَقِيمٌ فَاتَّبِعُوهُ وَلَا تَتَّبِعُوا السَّبِيلَ فَتَفْرَقَ بَكُمُ عَنْ سَبِيلِهِ ذَٰلِكُمْ وَصَّكُم بِهِ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ) (انعام/۵۳) «و [بدانید] این است راه راست من پس، از آن پیروی کنید. و از راه های [دیگر] که شما را از راه وی پراکنده می سازد پیروی مکنید. اینهاست که [خدا] شما را به آن سفارش کرده است، باشد که به تقوا گرایید.»

رشید رضا می گوید: «در فرق بین کتاب الله و احادیث حضرت رسول (ص) و آثار صحابه و تابعین با قبلشان می گوید: فرقی نیست مگر اینکه قرآن حفظ شده است از پایین ترین تغییر و کمترین تحریف. و حفظ شده است با سنت نبوی که در امت های دیگر سابقه ندارد.» (رشیدرضا، ۱۹۹۰م: ۱۷۳/۸) سید قطب در ذیل این آیه نظری در مورد عدم تحریف قرآن ذکر ننموده. بنابراین به نظر می رسد که رشیدرضا نیز مانند دیگر دانشمندان قائل به عدم تحریف قرآن با دلیل روایی و سنت نبوی است و شاید سیدقطب چنین نظری ندارند.

شیخ طوسی نیز در کتاب تبیان، بیانی دارد که نمی تواند بی ربط باشد. ایشان به صراحت بیان داشته که «قرآن موجود در میان مسلمین همان قرآن موجود در میان مسلمین همان قرآن منزل بر رسول خدا (صلی الله علیه وآله) است.» (طوسی، بی تا: ۴/۱)

و نیز مرحوم امام خمینی (رضوان الله تعالی علیه) در کتاب «تهذیب الاصول»، می‌فرماید: «کتاب منزل بر رسول خدا همان کتابی است که در اختیار مردم است و هیچ عاقلی نظر و توجه نمی‌کند به روایتی که مربوط به تحریف قرآن باشد». (امام خمینی، بی تا: ۱۶۵/۲)

۴-۸- نسخ و عدم تحریف

یکی دیگر از آیات مورد توجه رشید رضا برای عدم تحریف قرآن کریم آیه ۴۱ سوره انفال می‌باشد:

(وَاعْلَمُوا أَنَّمَا غَنِمْتُمْ مِّن شَيْءٍ فَإِنَّ لِلَّهِ خُمُسَهُ وَ لِلرَّسُولِ وَ لِذِي الْقُرْبَىٰ وَ الْيَتَامَىٰ وَ الْمَسَاكِينِ وَ ابْنِ السَّبِيلِ إِنْ كُنْتُمْ ءَامِنْتُمْ بِاللَّهِ وَ مَا أَنْزَلْنَا عَلَىٰ عَبْدِنَا يَوْمَ الْفُرْقَانِ يَوْمَ التَّقَىٰ الْجَمْعَانِ وَ اللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ) (انفال/۴۱) «و بدانید که هر چیزی را به غنیمت گرفتید، یک پنجم آن برای خدا و پیامبر و برای خویشاوندان [او] و یتیمان و بینوایان و در راه‌ماندگان است، اگر به خدا و آنچه بر بنده خود در روز جدایی [حق از باطل]- روزی که آن دو گروه با هم روبرو شدند- نازل کردیم، ایمان آورده‌اید. و خدا بر هر چیزی تواناست.»

رشید رضا درباره این آیه بیان کرده که جمهور می‌گویند: «ناسخ است. و تحریف و تبدیل برای کتاب خدا جایز نیست». (رشید رضا، ۱۹۹۰م: ۶/۱۰) سید قطب در مورد این آیه این اعتقاد را ندارد. شاید رشید رضا در این مطلب نیز نسخ را بی ارتباط با تحریف ندانسته و یا اینکه خواسته باشد پدیده نسخ تلاوت را که در تاریخ قرآن از سوی اهل سنت ادعا شده است، با پدیده عدم تحریف قرآن کریم رد نماید.

۴-۹- اعجاز بیانی و عدم تحریف

از جمله آیاتی که برای اعجاز بیانی و عدم تحریف قرآن کریم به آن اشاره و پیرامون آن توضیحاتی آورده شده آیه‌ی شریفه زیر می‌باشد:

(وَ لِلَّهِ غَيْبُ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ وَ إِلَيْهِ يُرْجَعُ الْأُمُورُ كُلُّهُ فَاَعْبُدْهُ وَ تَوَكَّلْ عَلَيْهِ وَ مَا رَبُّكَ بِغَافِلٍ عَمَّا تَعْمَلُونَ) (هود/۱۲۳) «و نهان آسمانها و زمین از آن خداست، و تمام کارها به او بازگردانده می‌شود. پس او را پرستش کن و بر او توکل نمای، و پروردگار تو از آنچه انجام می‌دهید غافل نیست.»

رشید رضا می‌گوید: «لازم به استدلال نیست، قرآن تحریف نشده است و آیات محکمت را که همان ام‌الکتاب هستند به باطل تأویل نموده‌اند». (رشید رضا، ۱۹۹۰م: ۱۷۵/۱۲)

و نیز نویسنده کتاب «المنار» در این باره می‌گوید: «از آنجایی که از اعجاز قرآن می‌توان سالم بودن قرآن از تحریف را فهمید و اعجاز قرآن باعث شده است که قرآن از اختلاف سالم بماند و سلامت آن در طول زمان از تعارض و تناقض و اختلاف بوده، و برای همه کلام بشر اختلافی نیست» و مراد از آن را آیه ۸۲ سوره نساء می‌داند. (رشید رضا، ۱۹۹۰م: ۱۷۱/۱) سید قطب نیز می‌گوید: «زیبایی هنری در آغاز و آخر و تناسب بین قصه‌ها و سیاق با کمال نظر و فکر و بررسی در این قرآن تلقی می‌شود» (سید قطب، ۱۴۱۲ق: ۱۹۳۵/۵) و سپس آیه ۸۲ سوره نساء را که بیانگر عدم تحریف قرآن است را بیان می‌کند.

(أَفَلَا يَتَذَكَّرُونَ الْقُرْآنَ وَ لَوْ كَانَ مِنْ عِنْدِ غَيْرِ اللَّهِ لَوَجَدُوا فِيهِ اخْتِلَافًا كَثِيرًا) (نساء/ ۸۲) «آیا در [معانی] قرآن نمی‌اندیشند؟ اگر از جانب غیر خدا بود قطعاً در آن اختلاف بسیاری می‌یافتند.»

نتیجه

قرآن کریم به دلایلی همیشگی و مسلم چون عقلی، قرآنی، روایی، گواهی تاریخ و مسأله‌ی اعجاز، تحریف نشده است. همچنین اکثر دانشمندان شیعی نیز قائل به عدم تحریف می باشند. و از نظرات دو دانشمند اهل سنت معاصر یعنی «سید قطب» در تفسیر «فی ظلال» و «رشید رضا» در تفسیر «المنار» و تطبیق این دو با دلایل مسلم ذکر شده، می توان نتیجه گرفت که این دو نیز نظری که بیش مشابه همانند دانشمندان شیعی دارند. رشید رضا از میان این دلایل، دلیل قرآنی آیه‌ی حفظ، دلیل روایی را با سنت نبوی و گواهی تاریخ را با مصون ماندن قرآن در مقابل سایر کتاب‌های آسمانی دیگر توسط تاریخ آنان و نیز تاریخ مسلمانان را برای عدم تحریف قرآن مقبول می داند. ولی در کنار این دلایل، به دلایلی شاید خلاقانه نیز اشاره دارد مانند: احکام و تشابه و عدم تحریف، نسخ و عدم تحریف؛ که شاید دلیلی برای رد نسخ تلاوت که مورد ادعای اهل سنت است، باشد. و در ادامه اعجاز بیانی را دلیلی برای تحریف-ناپذیری قرآن دانسته‌اند. در کنار ایشان سید قطب به دلیل قرآنی با دو آیه‌ی حفظ و نفی باطل توجه بیشتری نشان داده است. همچنین مسأله اعجاز قرآن و گواهی تاریخ را با محافظان قرآن در زمان نزول، و نیز اعجاز بیانی را، به دفاع از تحریف ناپذیری قرآن بیان داشته است. بنابراین این دو دانشمند اهل سنت در میان دلایل ذکر شده، در دلیل قرآنی و گواهی تاریخ با اندکی اختلاف نظر هم عقیده می باشند. همچنین اعجاز بیانی قرآن کریم را هر دو با تمسک به آیه‌ی ۸۲ سوره نساء به عنوان دلیلی جدید بر عدم تحریف قرآن کریم مطرح نموده اند. درحالی که رشید رضا با دو دلیل احکام و تشابه و نسخ، از سید قطب کمی فراتر رفته است.

منابع

«قرآن کریم» (ترجمه محمد مهدی فولادوند)؛

۱. آلوسی بغدادی، شهاب الدین سید محمود (۱۴۱۹ق): «روح المعانی فی التفسیر القرآن العظیم»، بیروت: دارالکتب العلمیه، اول.
۲. ابن حنبل، احمد (بی تا): «مسند»، قاهره: مؤسسه قرطبه، بی تا.
۳. ابن منظور، محمد ابن مکرم (۱۴۱۴ق): «لسان العرب»، بیروت: دار صادر، سوم.
۴. ابن کثیر دمشقی، اسماعیل بن عمرو (۱۴۱۹ق): «تفسیر القرآن العظیم»، تحقیق: محمد حسین شمس الدین، بیروت: دارالکتب العلمیه، اول.
۵. احسائی، ابن ابی جمهور (۱۴۰۳ق): «عوالی اللئالی العزیزیه فی الأحادیث الدینیّه»، قم: چاپ سید الشهداء، بی تا.
۶. جوهری، اسماعیل بن حماد (بی تا): «الصحاح»، محقق: احمد عبدالغفور عطار، بیروت: دارالعلم للملایین، اول.
۷. حاکم نیشابوری، محمد بن عبدالله (۴۱۱ق): «مستدرک علی الصحیحین»، تحقیق: مصطفی عبدالقادر عطا، بیروت: دارالکتب العلمیه، اول.
۸. حرعاملی، محمد بن حسن (۱۴۰۹ق): «وسائل الشیعہ»، قم: مؤسسه آل البیت (علیهم السلام)، اول.
۹. خوئی، سید ابوالقاسم (۱۴۰۱ق): «البیان فی تفسیر القرآن»، بی تا: انوار الهدی، بی تا.
۱۰. خمینی، روح الله (بی تا): «تهذیب الأصول»، بی تا: بی تا.
۱۱. راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۳۷۴ش): «مفردات ألفاظ القرآن»، تهران: مرتضوی، دوم.
۱۲. رضا، رشید بن علی محمد (۱۹۹۰م): «تفسیر المنار»، قاهره: هیئته المصریه العامه للكتاب، بی تا.
۱۳. زمخشری، محمود بن عمر (۱۴۰۷ق): «الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل»، بیروت: دارالکتب العربی، سوم.
۱۴. صادقی تهرانی، محمد (۱۳۶۵ش): «الفرقان فی التفسیر بالقرآن»، قم: انتشارات فرهنگ اسلامی، دوم.
۱۵. طباطبایی، سید محمد حسین (۱۴۱۷ق): «المیزان فی تفسیر القرآن»، قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین قم، پنجم.
۱۶. طبرسی، فضل بن حسن (۱۴۰۸ق): «مجمع البیان فی تفسیر القرآن»، بیروت: دار المعرفه للطباعه ونشر، بی تا.
۱۷. طوسی، محمد بن حسن (بی تا): «التبیین فی التفسیر القرآن»، بیروت: دارأحیاء التراث العربی، بی تا.
۱۸. قطب، سید ابن ابراهیم شاذلی (۱۴۱۲ق): «فی ظلال القرآن»، بیروت-قاهره: دارالشروق، بی تا.

۱۹. فیروزآبادی، محمدبن یعقوب (بی تا): «القاموس المحيط»، بیروت: دارالکتب العلمیه، اول.
۲۰. فیض کاشانی، ملا محسن (۱۴۰۲ق): «تفسیر صافی»، بیروت: مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بی تا.
۲۱. ----- (۱۴۰۲ق): «وافی»، محقق: ضیاءالدین حسینی اصفهانی، اصفهان: کتابخانه امام امیر المؤمنین علی (ع)، اول.
۲۲. کلینی، محمدبن یعقوب (۱۳۶۵ق): «کافی»، تهران: دارالکتب الإسلامیه، چهارم.
۲۳. متقی هندی، علاء الدین علی ابن حسام الدین (۱۴۰۱ق): «کنز العمال فی سنن الأقوال والأفعال»، محقق: بکری حیانی، بی جا: صفوه السقا - مؤسسه الرساله، پنجم.
۲۴. مجلسی، محمد باقر (۱۴۰۴ق): «بحار الأنوار»، بیروت: مؤسسه الوفاء، بی تا.
۲۵. محدث نوری، حسین بن محمد تقی (۱۴۰۸ق): «مستدرک الوسائل»، قم، مؤسسه آل البيت (علیهم السلام)، بی تا.
۲۶. معرفت، محمد هادی (۱۳۸۵ش): «علوم قرآنی»، قم: مؤسسه فرهنگي تمهید، هفتم.
۲۷. ----- (۱۳۷۶ش): «مصونیت قرآن از تحریف»، مترجم، محمد شهرابی، قم: مرکز انتشارات تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، اول.
۲۸. مفید، محمدبن محمدبن نعمان (۱۴۱۳ق): «أوائل المقالات»، قم: انتشارات کنگره جهانی شیخ مفید، بی تا.
۲۹. مکارم شیرازی، ناصر (۱۴۲۱ق): «الأمثل فی تفسیر کتاب الله المنزل»، قم: مدرسه امام علی ابن ابی طالب (ع)، بی تا.
۳۰. ----- (۱۳۷۴ش): «تفسیر نمونه»، تهران: دارالکتب الإسلامیه، اول.
۳۱. نجارزادگان، فتح الله (۱۳۸۴): «تحریف ناپذیری قرآن»، تهران: مشعر، اول.